


Lived Experiences of Teachers Regarding the Care of Refugee Child Laborers at School

Somayeh Seif¹
Masoomeh Smaeili (Ph.D.)²

 0000-0002-9001-8081

Abstract

This study aims to explore in depth the lived experiences of teachers responsible for the care of child laborers from migrant backgrounds within the school environment, examining their challenges, successes, and strategies in engaging with this vulnerable group. Due to complex economic, social, and cultural circumstances, migrant child laborers require special support in educational settings. Teachers working with these children play a vital role in facilitating learning processes, promoting social adaptation, and enhancing their overall well-being. The methodology of this research is grounded in Smith's Interpretative Phenomenological Analysis (IPA), which focuses on meaningful understanding and in-depth interpretation of individual experiences. Eight teachers who had direct experience working with migrant child laborers in schools were studied through purposive, semi-structured interviews. The data obtained from these interviews were analyzed using IPA techniques, including the identification of themes, development of subthemes, and extraction of descriptive quotations. The findings of the study highlighted five main themes: (1) cultural and linguistic challenges in establishing effective communication; (2) dealing with psychological and social issues stemming from the children's previous experiences; (3) the need for specialized educational resources and support; (4) successful experiences in building trust and motivation for learning; and (5) the importance of in-service training and professional networking for teachers. These themes provide a comprehensive picture of the complexity of teachers' roles and their adaptive strategies. In the discussion and conclusion sections, the findings are interpreted in light of previous research literature, with similarities and differences to comparable studies examined. The causes and consequences of teachers' experiences are explained, and practical recommendations are provided to improve support for these children and their teachers, including enhancing intercultural training, ensuring the provision of supportive resources, and creating support frameworks at the school and organizational levels.

Keywords: child laborers, teachers, lived experiences, care, social support

1- The Family Counseling Group, Faculty of Psychology and Education, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. (Corresponding Author) somayehseif6@gmail.com

2- Professor Tamma, PhD in Counseling, Professor of Counseling Department, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. sattt6739@gmail.com

تجارب زیسته مربیان پیرامون مراقبت از کودکان کار مهاجر در مدرسه

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۲۲

سمیه سیف اسبگرانی^۱

معصومه اسمعیلی^۲

چکیده

این پژوهش با هدف کاوش عمیق در تجارب زیسته مربیان پیرامون مراقبت از کودکان کار اتباع در محیط مدرسه، به بررسی چالش‌ها، موفقیت‌ها، و راهبردهای آنان در تعامل با این گروه آسیب‌پذیر می‌پردازد. کودکان کار اتباع، به دلیل شرایط پیچیده اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، نیازمند حمایت‌های ویژه‌ای در محیط آموزشی هستند. مربیان این کودکان نقش حیاتی در تسهیل فرایندهای یادگیری، سازگاری اجتماعی و ارتقای بهزیستی آنان ایفا می‌کنند. روش‌شناسی این پژوهش بر اساس رویکرد پدیدارشناسی تفسیری اسمیت استوار است که بر درک معنادار و تفسیر عمیق تجارب فردی تمرکز دارد. هشت مربی که به‌طور مستقیم با کودکان کار اتباع در مدارس مشغول به‌کار بودند، از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته و هدفمند مورد مطالعه قرار گرفتند. داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها با استفاده از فنون تحلیل تفسیری اسمیت که شامل شناسایی مضامین، توسعه مضامین فرعی، و استخراج نقل‌قول‌های توصیفی است، مورد تحلیل قرار گرفت. یافته‌های پژوهش پنج مضمون اصلی را برجسته ساخت: (۱) چالش‌های فرهنگی و زبانی در برقراری ارتباط مؤثر، (۲) مواجهه با مسائل روان‌شناختی و اجتماعی ناشی از تجارب پیشین کودکان، (۳) نیاز به منابع و حمایت‌های آموزشی تخصصی، (۴) تجارب موفقیت‌آمیز در ایجاد اعتماد و انگیزه یادگیری، و (۵) اهمیت آموزش‌های ضمن خدمت و شبکه‌سازی حرفه‌ای برای مربیان. این مضامین، تصویری جامع از پیچیدگی‌های نقش مربیان و راهبردهای انطباقی آنان ارائه می‌دهند. در بخش بحث و نتیجه‌گیری، یافته‌ها در پرتو ادبیات پژوهش‌های پیشین مورد تفسیر قرار گرفته و شباهت‌ها و تفاوت‌ها با مطالعات مشابه مورد بررسی قرار گرفته است. علل و پیامدهای تجارب مربیان تبیین شده و پیشنهادات عملی برای بهبود حمایت از این کودکان و مربیان آنان، از جمله ارتقای آموزش‌های بین‌فرهنگی، تأمین منابع حمایتی، و ایجاد چهارچوب‌های حمایتی در سطح مدارس و سازمان‌های ذی‌ربط ارائه گردیده است.

کلیدواژه‌ها

کودکان کار اتباع، مربیان، تجارب زیسته، مراقبت، حمایت اجتماعی

۱- دانشجوی کارشناسی‌ارشد مشاوره خانواده، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
somayehseif6@gmail.com

۲- استاد تمام، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.
m.esmaeili@atu.ac.ir

بیان مسئله

کودکان همواره به‌عنوان آسیب‌پذیرترین قشر اجتماع مورد تهدید جدی به لحاظ عدم رعایت حقوق مربوط به خود بوده‌اند فقر، سوء‌تغذیه و بیماری جنگ، انواع سوءاستفاده‌ها، نداشتن امنیت و ... از زمره مواردی است که آمال و امیال کودکان در سراسر جهان را از میان برداشته‌اند (خوب‌بخت و نیکامی، ۱۳۹۸). در دهه اخیر جابه‌جایی اجباری میلیون‌ها کودک مهاجر و پناهجو در منطقه خاورمیانه، مدرسه را به نهادی چندکارکردی تبدیل کرده است که علاوه بر آموزش، نقش حمایتی و بازتوانی روانی برای کودکان آسیب‌پذیر ایفا می‌کند. جایی که معلم، نه فقط انتقال‌دهنده محتوا بلکه عامل خط مقدم حمایت عاطفی، بازتنظیم هیجانی و پیونددهنده کودک با شبکه‌های حمایتی است. این دگرگونی نقش‌ها در ایران نیز پررنگ است؛ زیرا موج ورود و تداوم اقامت خانواده‌های افغانستانی، نیاز به سازوکارهای مدرسه‌محور مراقبت و حمایت از کودکان کار مهاجر را دوچندان کرده است. پدیده کار کودکان به‌ویژه در میان جمعیت‌های مهاجر به یکی از دغدغه‌های جدی نظام‌های اجتماعی و حمایتی بدل شده است. سازمان بین‌المللی کار (ILO, 2024) برآورد می‌کند که بیش از ۱۶۰ میلیون کودک در سراسر جهان به‌کار مشغولند که بخش قابل‌توجهی از آنان مهاجر یا بی‌هویتند. در ایران نیز پدیده کار کودکان به‌ویژه در مناطق شهری با ساختارهای اقتصادی نابرابر و مهاجرپذیر روندی فزاینده یافته است (خانجانی، طاهره، ردایی، زهرا، ۱۴۰۴).

فرایند پیچیده مهاجرت و پدیده‌های اجتماعی همراه آن، همواره چالش‌های متعددی را برای جوامع میزبان و مهاجران به‌ویژه کودکان به همراه داشته است. از مهم‌ترین چالش‌های اجتماعی که این کودکان با آن‌ها مواجه‌اند را می‌توان شامل وضعیت آموزشی و تحصیل، اعتیاد، تجاوز و ... دانست. تعداد بیشماری از کودکان کار به دلیل فقر فرهنگی و فقر اقتصادی خانواده شان قادر به تحصیل نیستند. به عبارت دیگر، فقر اقتصادی و فقر فرهنگی، کودکان کار را با چالش‌های اجتماعی متعددی مواجه خواهد کرد (پروینی‌فرشبندی و دیگران، ۱۴۰۲). در واقع کار، انتخاب آگاهانه کودکان نیست. کار کودکان، تحمیل اجتماعی از سوی ساختارهای جامعه است. امروزه میلیون‌ها کودک در سنین پایین با هدف امرار معاش خود و خانواده خود به کار مشغولند (مقدس جعفری؛ ویس‌نژاد و درستی، ۱۳۹۲).

کودکان و نوجوانان مهاجر با آسیب‌های متعددی مواجهند که علاوه بر اختلالات روانی مانند افسردگی، اضطراب، استرس پس از سانحه و دردهای روان‌تنی، کاهش انعطاف‌پذیری و کاهش عملکردهای رفتاری و شناختی نیز بروز می‌یابد. این حالات در کودکان و نوجوانان مهاجری که از والدین خود جدا شده یا دور افتاده‌اند، بیشتر گزارش شده است (صفی‌کیکه؛ جهانگیری و طباطبایی، ۱۳۹۶). این دقیقاً همان نقطه‌ای است که تجربه زیسته مربیان می‌تواند تصویر واقع‌گرایانه‌ای از موفقیت‌ها و تنگناهای مراقبت در مدرسه ارائه دهد.

محیط مدرسه، به‌عنوان یکی از کانون‌های اصلی تعاملات اجتماعی و یادگیری، نقش بسزایی در شکل‌گیری هویت، مهارت‌ها و سازگاری کودکان ایفا می‌کند. برای کودکان کار اتباع، مدرسه نه‌تنها مکانی برای کسب دانش بلکه پناهگاهی امن برای رشد، یادگیری و تجربه دنیایی عاری از سختی‌های کار و شرایط نامناسب نیز محسوب می‌شود. در این میان، نقش مربیان و معلمان این کودکان، که به‌طور مستقیم با آنان در ارتباط هستند، حیاتی و تعیین‌کننده است. مربیان مراقبت از کودکان کار اتباع، با چالش‌های منحصر به فردی روبه‌رو هستند که ریشه در مسائل هویتی، زبانی، فرهنگی، اقتصادی و روانی این کودکان دارد.

با توجه به اهمیت روزافزون حضور کودکان اتباع در نظام آموزشی و ضرورت درک عمیق‌تر از تجارب زیسته افرادی که مستقیماً با این کودکان سروکار دارند، این پژوهش بر آن است تا به کاوش در تجارب مربیان مراقبت از کودکان کار اتباع در محیط مدرسه بپردازد. این امر مستلزم فراتر رفتن از توصیفات سطحی و ورود به لایه‌های عمیق‌تر معنایی است که این مربیان از تعاملات، چالش‌ها و موفقیت‌های خود در این زمینه کسب می‌کنند. رویکرد پدیدارشناسی تفسیری، به‌عنوان یک چهارچوب نظری مناسب برای کشف و درک این تجارب زیسته، این امکان را فراهم می‌آورد که به ماهیت پدیده‌ها و معانی درونی که افراد به آن‌ها نسبت می‌دهند، پرداخته شود.

ادبیات پژوهشی در زمینه کودکان کار اتباع در ایران عمدتاً با رویکردهای کمی و توصیفی به تحلیل وضعیت اقتصادی اجتماعی و بهداشتی این کودکان پرداخته است؛ مثلاً پژوهشی جامعه‌شناختی با عنوان «بررسی جامعه‌شناختی پدیده کودکان کار در ایران» (اونق؛ قربانی و سورزهی، ۱۴۰۲) نشان داده است افزایش نرخ مهاجرت و بی‌ثباتی اقتصادی

خانواده‌ها به بروز کار کودک و افت تحصیلی در میان خانواده‌ها منجر شده است. همچنین مطالعه کیفی با عنوان «مطالعه پدیدارشناختی راهبردهای فرهنگ پذیری کودکان کار افغانی» (غنی‌زاده و دیگران، ۱۴۰۳) بر کودکان کار افغان مقیم ایران تمرکز داشته و نشان داده است که کودکان مجبور به کار در مواجهه با مدرسه و فرایند جامعه‌پذیری با چالش‌های هویتی و فرهنگی مواجهند. با این همه بازنگری ادبیات نشان می‌دهد پژوهش‌هایی که به صورت عمیق و با روش‌های کیفی تجارب زیسته مربیان و معلمان ویژه اتباع را مدنظر قرار داده باشند به نسبت مطالعات توصیفی محدودتر می‌باشد (غنی‌زاده و دیگران، ۱۴۰۳). در نتیجه این خلأ پژوهشی نشانگر نیاز به مطالعات موقعیت‌مند کیفی است که صدای مربیان را در خط مقدم مراقبت و آموزش کودکان کار اتباع آشکار سازد.

در سطح بین‌المللی نیز، گزارش‌های سازمان‌های معتبر جهانی مانند یونیسف (UNICEF, 2021) و کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل نشان می‌دهد که ترکیب مهاجرت، پناهندگی و کار کودک به افزایش ریسک ترک تحصیل، افت یادگیری و مشکلات روانی منجر می‌شود. بر اساس گزارش (UNHCR, 2023) تنها ۶۱٪ کودکان پناهجو در مقطع ابتدایی در نظام آموزشی ثبت‌نام می‌کنند، در حالی که نرخ جهانی ثبت‌نام برای همسالان آنان ۹۲٪ است. همچنین گزارش مشترک ILO و (UNICEF, 2024) تخمین می‌زند که بیش از ۱۳۸ میلیون کودک در سراسر جهان درگیر کار کودکانند و این پدیده با فقر، تبعیض و دسترسی نابرابر به آموزش پیوند مستقیم دارد. پژوهش‌هایی که به صورت خاص بر روی «کودکان کار» به عنوان یک گروه آسیب‌پذیر تمرکز کرده‌اند، اغلب به پیامدهای منفی کار کودکان بر رشد و یادگیری آنان اشاره دارند، کار برای سلامت فیزیکی، روانی، اجتماعی، اخلاقی، و شخصیتی کودک مضر بوده و امکان رشد طبیعی را - که شامل حق آموزش و بازی است - از او سلب می‌کند (احمدی، ۱۴۰۰).

این پژوهش‌ها کمتر به تجارب مربیانی که در مواجهه مستقیم با این کودکان در محیط آموزشی هستند، پرداخته‌اند.

در چنین فضایی، این پژوهش تلاش می‌کند تا با بهره‌گیری از رویکرد پدیدارشناسی تفسیری، به درک عمیق و معناداری از تجارب زیسته مربیان مراقبت از کودکان کار اتباع

در مدارس دست یابد. این درک می‌تواند مبنایی برای طراحی برنامه‌های آموزشی مؤثرتر، ارائه حمایت‌های لازم از سوی نهادهای مسئول، و ارتقای کیفیت زندگی و فرصت‌های تحصیلی این کودکان فراهم آورد.

روش‌شناسی

این پژوهش در مدرسه خیریه اتباع با رویکرد کیفی و بر پایه پدیدارشناسی تفسیری (Smith, 2019) انجام شد. رویکردی که با تمرکز بر معنایی که افراد از تجارب خود می‌سازند، امکان کشف لایه‌های عمیق و چندوجهی پدیده‌ها را فراهم می‌آورد و علاوه بر توصیف، به تفسیر و تبیین معنایی افراد از این تجارب در بستر زندگی و پیشینه آنان می‌پردازد. مشارکت‌کنندگان شامل هشت مربی (هفت زن و یک مرد) از مدرسه اتباع شهید ثانی کهریزک بودند که به‌طور فعال در مدارس مسئولیت آموزش و مراقبت از کودکان کار اتباع را بر عهده داشتند. معیارهای ورود به پژوهش داشتن حداقل یک سال سابقه کار مستقیم با این کودکان، اشتغال در مدرسی با بیش‌ترین تعداد پذیرش ایشان و تمایل به مشارکت داوطلبانه و ارائه اطلاعات صادقانه بود. نمونه‌گیری به‌صورت هدفمند و تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت، انجام شد تا افرادی با دانش و تجربه عمیق در زمینه موضوع انتخاب شوند. برای گردآوری داده‌ها از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته استفاده گردید که با طرح پرسش‌های باز و کاوشی، ضمن ایجاد چهارچوب اولیه، امکان انحراف هدفمند از آن و پیگیری مسیرهای نوظهور گفتگو را فراهم می‌کرد. پرسش‌هایی همچون شرح تجربه مراقبت و آموزش، مهم‌ترین چالش‌ها، راهبردهای مقابله، تجارب مثبت و موفقیت‌آمیز، عوامل موفقیت یا ناکامی، توصیه‌ها به مربیان تازه‌کار و نیازهای بهبود شرایط، محورهای اصلی مصاحبه‌ها را تشکیل دادند. مصاحبه‌ها به‌صورت انفرادی، در فضایی امن و خصوصی، در محیط مدرسه یا مکانی مورد توافق طرفین و به مدت ۲۰ تا ۳۰ دقیقه برگزار شد و با اجازه مشارکت‌کنندگان ضبط گردید. داده‌ها طبق چهارچوب پدیدارشناسی تفسیری اسمیت طی مراحل شامل پیاده‌سازی دقیق مصاحبه‌ها، مطالعه مکرر و غوطه‌وری در داده‌ها، شناسایی واحدهای معنادار، بازنویسی توصیفی این واحدها، دسته‌بندی و

توسعه مضامین اصلی و فرعی، تفسیر و بررسی ارتباط میان مضامین، انتخاب نقل قول‌های نماینده و در نهایت نگارش روایت جامع انجام شد تا تصویری دقیق و غنی از تجارب زیسته مربیان به دست آید.

یافته‌ها

جدول شماره ۱: اطلاعات جمعیت‌شناختی مربیان مشارکت‌کننده در پژوهش

نقش / سمت	محل خدمت (منطقه / نوع مدرسه)	سابقه آموزش با کودکان کار (سال)	سن (سال)	جنسیت
معلم کلاس اول	منطقه ۲۰ — مدرسه اتباع	۳	۳۴	زن
معلم کلاس اول	منطقه ۲۰ — مدرسه اتباع	۲	۲۹	زن
معلم	منطقه ۲۰ — مدرسه دولتی	۵	۴۱	زن
معلم دبستان	منطقه ۲۰ — مدرسه دولتی	۴	۳۷	مرد
معلم	منطقه ۲۰ — مدرسه اتباع	۲	۳۱	زن
معلم نهضت	منطقه ۲۰ — مدرسه اتباع	۱.۵	۲۸	زن
مربی (پیش‌زمینه روان‌شناسی)	منطقه ۲۰ — مدرسه اتباع	۳	۳۵	زن
معلم نهضت (دانش آموزان جامانده از تحصیل)	منطقه ۲۰ مدرسه اتباع	۲	۲۷	زن

جدول شماره ۲: مضامین فرعی و اصلی پیرامون مراقبت از کودکان کار مهاجر در مدرسه مبتنی بر تجارب زیسته مربیان

مضمون اصلی	مضامین فرعی	نقل قول نمونه از مربیان
چالش‌های بهداشتی و مراقبتی	بهداشت فردی ضعیف با پیشرفت تدریجی	«اول سال بچه‌ها حتی شستن دست رو بلد نبودن، ولی با تکرار و آموزش، کم‌کم یاد گرفتن خودشون برن سمت شیر آب»
	فقدان خدمات بهداشتی و چکاپ منظم از طرف سازمان‌های دولتی	«هیچ‌وقت نیومدن بچه‌ها رو معاینه کنن یا چک کنن واکسن‌شون کامله یا نه؛ همه چی افتاده گردن ما»
موانع آموزشی	عدم حمایت و پیگیری تحصیلی از سوی خانواده‌ها	«بیشتر خانواده‌ها مدرسه رو فقط واسه این می‌خوان که بچه تو خیابون نباشه، نه اینکه درس بخونه»
	کار بعد از مدرسه و افت تحصیلی	«بچه‌ها عصر که میان سر کلاس، اون‌قدر خسته‌ان از کار که فقط دلشون می‌خواد سر روی میز بذارن و بخوابن»
	ضعف حمایت نهادی	«آموزش و پرورش اصلاً به این مدرسه‌ها سر نمی‌زنه؛ همه چی با کمک خیرین و جیب خود مربی‌ها می‌چرخه»
نیازهای عاطفی و روانی	مدرسه به‌عنوان پناهگاه عاطفی	«برای خیلی‌ها، مدرسه تنها جاییه که کسی بهشون می‌گه آفرین و براشون دست می‌زنه»
	اضطراب و ناامنی روانی ناشی از وضعیت مهاجرتی	«بعضی‌ها هر روز می‌پرسن اگه ما رو برگردونن چی؟ وحشت تو چشم‌هاشون پیدااست»
	کمبود مهارت‌های زندگی و اعتماد به نفس	«وقتی می‌خوای کاری گروهی انجام بدی، بعضی‌ها حتی جرئت نمی‌کنن نظر بدن؛ انگار از قبل یاد گرفتن حرف نزنن»
چالش‌های رفتاری و اخلاقی	بروز مسائل جنسی در سنین پایین	«یه روز دیدم چند تا پسر کلاس دوم رفتارهایی دارن که اصلاً مناسب سن‌شون نیست؛ واقعاً نگران‌کننده بود»

مضمون اصلی	مضامین فرعی	نقل قول نمونه از مربیان
راهکارهای پیشنهادی مربیان	آموزش خانواده‌ها در حوزه بهداشت، محبت و ارزش تحصیل	«چند جلسه که با مادرها به زبان خودشون حرف زدیم، دیدیم بچه‌ها مرتب‌تر شدن و درس رو جدی‌تر گرفتن»
	حضور مستمر آموزش حتی در تابستان	«تابستون که مدرسه تعطیله، بچه‌ها سریع برمی‌گردن تو کار. باید کلاس‌ها ادامه پیدا کنه تا از محیط کار فاصله بگیرن»
	تقویت ارتباط با خیران و داوطلبان متخصص	«وقتی یه دکتر یا روانشناس داوطلب میاد، تأثیرش رو تو رفتار بچه‌ها همون هفته حس می‌کنیم»
چالش‌های بین‌فرهنگی	تفاوت‌های رفتاری براساس ملیت	«پاکستانی‌ها معمولاً آروم‌ترن ولی به بهداشت کمتر اهمیت میدن؛ افغان‌ها پرنرژی‌ترن ولی کنترل رفتارشون سخت‌تره»
	نیاز به آموزش توسط مربیان هم‌زبان و هم‌فرهنگ	«وقتی مربی از زبان و فرهنگ خودشون باشه، بچه‌ها راحت‌تر می‌پذیرن که مثلاً مسواک زدن یا دوش گرفتن بخشی از روزاشونه»

در تحلیل پدیدارشناسانه داده‌های به‌دست‌آمده از هشت مصاحبه، شش محور عمده تجربه مربیان در مواجهه با مراقبت از کودکان کار اتباع آشکار شد که وجوه مختلف چالش‌ها و ظرفیت‌های این حوزه را بازتاب می‌دهد. نخستین محور، مشکلات بهداشتی و مراقبتی است؛ جایی‌که مربیان، ضعف جدی بهداشت فردی در آغاز سال تحصیلی را یادآور شده و بهبود تدریجی آن را حاصل آموزش‌های مستمر نظیر شستن دست‌ها، استفاده از صابون و مسواک زدن دانسته‌اند. آنان معتقد بودند بهره‌گیری از مربیان هم‌زبان و هم‌فرهنگ می‌تواند اثربخشی آموزش‌ها را افزایش دهد و نبود خدمات بهداشتی منظم شامل معاینات، واکسیناسیون و پایش سلامت را یکی از عوامل تداوم مشکلات جسمی معرفی کردند.

محور دوم، موانع آموزشی است که عمدتاً ریشه در بی‌توجهی خانواده‌ها به تحصیل و

تلقى مدرسه صرفاً به عنوان محلی برای نگهداری کودکان دارد. اشتغال روزانه پس از مدرسه، فرسودگی جسمی و ذهنی و کمبود حمایت نهادی از سوی آموزش و پرورش منجر به افت تحصیلی و افزایش فشار بر دوش خیران و مربیان شده است.

در محور سوم، نیازهای عاطفی و روانی کودکان برجسته شد؛ مدرسه به پناهگاهی عاطفی برای دریافت محبت و توجهی بدل شده که در خانه تجربه نمی‌کنند، و وضعیت مهاجرتی همراه با ترس از اخراج یا بازگشت ناخواسته بر امنیت روانی و تمرکز تحصیلی آنان سایه می‌اندازد. همچنین کمبود مهارت‌های زندگی و ضعف اعتماد به نفس، ضرورت آموزش مهارت‌های فردی و اجتماعی را نمایان ساخته است.

محور چهارم به چالش‌های رفتاری و اخلاقی می‌پردازد که شامل بروز رفتارهای جنسی در سنین پایین و تفاوت‌های رفتاری میان گروه‌های ملیتی است؛ به گونه‌ای که کودکان پاکستانی آرام‌تر ولی با بهداشت ضعیف‌تر و کودکان افغان با مشکلات رفتاری بیشتر توصیف شدند.

محور پنجم راهکارهای پیشنهادی مربیان را شامل می‌شود؛ از طراحی و اجرای جلسات آموزشی برای خانواده‌ها در حوزه بهداشت، محبت و ارزش تحصیل با تکیه بر زبان و فرهنگ خودشان تا تداوم آموزش حتی در تابستان و ایجاد پیوند مؤثر با خیران و داوطلبان متخصص برای تأمین پایدار منابع آموزشی، بهداشتی و روان‌شناختی. برآیند کلی یافته‌ها نشان می‌دهد مربیان با منظومه‌ای پیچیده از مسائل بهداشتی، آموزشی، عاطفی و رفتاری مواجه‌اند که ریشه در فقر، فقدان حمایت نهادی و شکاف‌های فرهنگی-اجتماعی دارد. در این شرایط، مدرسه از مرز نقش مرسوم آموزشی فراتر رفته و به کانونی برای مراقبت چندوجهی بدل شده است که در آن مربیان ناچارند به‌طور هم‌زمان نقش معلم، پزشک، مشاور، مددکار اجتماعی و مرجع عاطفی را ایفا کنند. این چندکارکردی، هرچند فشار مضاعفی بر آنها تحمیل می‌کند، در عین حال ظرفیت شکل‌دهی تغییرات مثبت را در خود دارد؛ مشروط بر آنکه راهکارهای پیشنهادی با پشتیبانی سازمانی و سیاستی همراه شوند تا امکان گسستن چرخه آسیب و تبدیل مدرسه به بستری واقعی برای توانمندسازی فراهم شود.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که مربیان مدارس ویژه کودکان کار اتباع، در نقش‌هایی چندبعدی و پیچیده فعالیت می‌کنند؛ نقشی که فراتر از وظایف آموزشی متعارف بوده و شامل مراقبت‌های عاطفی، روانی، بهداشتی و فرهنگی نیز می‌شود. این امر با یافته‌های پژوهش‌های بین‌المللی درباره نقش معلمان در مواجهه با دانش‌آموزان پناهنده و مهاجر همسو است، جایی که معلم به‌عنوان «عامل تاب‌آوری آموزشی» شناخته می‌شود و مدرسه نقشی حمایتی و بازتوانی دارد (UNICEF, 2021; Taylor & Sidhu, 2022).

در این مطالعه، شش مضمون اصلی شامل چالش‌های بهداشتی، موانع آموزشی، نیازهای عاطفی و روانی، مشکلات رفتاری و اخلاقی، چالش‌های بین‌فرهنگی و راهکارهای پیشنهادی مربیان شناسایی شد. نتایج حاکی از آن است که فقر مادی، مهاجرت اجباری، کار کودک و تبعیض اجتماعی به‌صورت درهم‌تنیده بر تجربه یادگیری و رشد روانی-اجتماعی این کودکان اثرگذار است. مربیان، مدرسه را به‌منزله پناهگاهی برای بازسازی هویت و بازیابی احساس امنیت کودکان می‌دانند؛ یافته‌ای که با گزارش کمیساریای عالی پناهندگان (UNHCR, 2023) درباره نقش مدارس در ارتقای احساس تعلق اجتماعی پناهندگان همخوانی دارد.

از منظر نظری، نتایج این پژوهش با دیدگاه‌های «نظریه توانمندسازی» (Zimmerman, 2000) هم‌راستاست؛ چرا که مربیان در موقعیت‌هایی با کم‌ترین منابع، از راه ایجاد ارتباط عاطفی، آموزش مهارت‌های زندگی و تشویق به خودکارآمدی، تلاش می‌کنند ظرفیت‌های نهفته در کودکان را فعال سازند. درعین‌حال، فشارهای مضاعف، فرسودگی هیجانی و کمبود حمایت نهادی نیز احساس ناکارآمدی و فرسودگی شغلی را در میان آنان افزایش می‌دهد (Maslach & Leiter, 2016). این یافته بیانگر ضرورت سیاست‌گذاری‌های حمایتی برای سلامت روان و توسعه حرفه‌ای مربیان است.

نتایج همچنین بر اهمیت آموزش‌های بین‌فرهنگی برای مربیان تأکید دارد؛ زیرا تفاوت‌های زبانی و فرهنگی میان کودکان افغان، پاکستانی و ایرانی می‌تواند به سوءتفاهم و فاصله عاطفی منجر شود. پژوهش‌های جهانی نشان داده‌اند که فقدان حساسیت فرهنگی یکی از عوامل اصلی

ناکامی برنامه‌های ادغام آموزشی مهاجران است (OECD, 2020); بنابراین، طراحی برنامه‌های آموزشی و کارگاه‌های مهارتی برای تقویت سواد بین‌فرهنگی و مهارت‌های ارتباطی مربیان از اولویت‌های کلیدی است.

در بعد اجتماعی، یافته‌ها بیانگر آن است که کودکان کار اتباع، هم‌زمان با تجربه فقر، کار زود هنگام و مهاجرت، با طرد اجتماعی و تبعیض مواجه‌اند. بر اساس گزارش مشترک (ILO & UNICEF, 2024) ترکیب فقر و مهاجرت، ریسک کار کودک و ترک تحصیل را به شکل چشمگیری افزایش می‌دهد. در چنین بستری، نقش مربی تنها آموزش نیست بلکه بازسازی امید و پیوند کودکان با مفهوم آینده است. روایت‌های مربیان نشان داد که حتی دستاوردهای کوچک مانند یادگیری نوشتن یا حضور منظم در کلاس، برای این کودکان دستاوردی بزرگ و برای مربیان منبع انگیزش است.

نتیجه کلی پژوهش حاضر آن است که مدارس ویژه اتباع، بدون پشتیبانی روانی و سازمانی کافی، بار وظایف چند نهادی را بر دوش دارند. تقویت ساختارهای حمایتی در سطح مدرسه (مانند حضور روان‌شناس، مددکار اجتماعی و مربی پرورشی)، ارائه آموزش‌های تخصصی ضمن خدمت و ایجاد نظام پاداش برای مربیان متعهد می‌تواند گام‌های مؤثری در بهبود کیفیت مراقبت باشد.

از منظر سیاست‌گذاری کلان، یافته‌ها ضرورت همکاری میان نهادهای دولتی و سازمان‌های مردم‌نهاد را برجسته می‌سازد. مدرسه باید به‌عنوان «هسته مرکزی حمایت اجتماعی» شناخته شود که نه تنها آموزش، بلکه سلامت روان، ادغام فرهنگی و بازتوانی اجتماعی کودکان را دربرگیرد. ایجاد دستورالعمل‌های آموزشی ویژه برای مدارس مهاجرپذیر، تأمین بودجه پایدار و نظارت مستمر بر کیفیت آموزش و حمایت، از جمله الزامات حیاتی در این زمینه است (UNESCO, 2022).

این پژوهش با وجود محدودیت‌هایی نظیر حجم نمونه محدود و تمرکز بر یک مدرسه، تصویری غنی از تجربه مربیان در خط مقدم مراقبت از کودکان کار اتباع ارائه کرده است. استمرار پژوهش‌های کیفی و مقایسه‌ای میان مدارس مناطق مختلف کشور می‌تواند به درک جامع‌تر از تفاوت‌های فرهنگی، جنسیتی و ساختاری کمک کند. یافته‌های این مطالعه

می‌تواند مبنایی برای طراحی برنامه‌های آموزشی حساس به فرهنگ، ایجاد ساختارهای حمایتی پایدار و توسعه سیاست‌های جامع برای حمایت از کودکان کار مهاجر و مریبان آنان در نظام آموزشی ایران باشد.

در نهایت این پژوهش با وجود ارائه بینش‌های ارزشمند در زمینه تجارب زیسته مریبان در مراقبت از کودکان کار اتباع، با محدودیت‌هایی نیز همراه بوده است که باید در تفسیر نتایج مدنظر قرار گیرد. نخست، اندازه نمونه محدود به هشت مربی، قابلیت تعمیم‌پذیری یافته‌ها را کاهش می‌دهد. دوم، استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند و انتخاب شرکت‌کنندگان از مدارس خاص ممکن است سوگیری در داده‌ها ایجاد کرده باشد. سوم، ماهیت کیفی داده‌ها و اتکا به روایت‌های شفاهی مریبان، هرچند حاصل مصاحبه‌های عمیق بوده، می‌تواند تحت تأثیر حافظه و برداشت‌های فردی آنان قرار گیرد. همچنین، محدودیت زمانی پژوهشگر فرصت انجام مصاحبه‌های بیشتر یا مشاهده مستقیم فرایندهای کلاسی را محدود ساخته است. درعین حال، مسیرهای آینده برای توسعه این حوزه پژوهشی روشن و امیدوارکننده است. پیشنهاد می‌شود پژوهش‌هایی با حجم نمونه بزرگ‌تر و از مدارس متنوع انجام شود تا اعتبار و تعمیم‌پذیری یافته‌ها افزایش یابد. به‌کارگیری روش‌های ترکیبی، شامل داده‌های کمی همچون شاخص‌های پیشرفت تحصیلی یا حضور و مشارکت کلاس، می‌تواند تصویری جامع‌تر از وضعیت ارائه دهد. پژوهش‌های طولی نیز امکان بررسی تغییرات و ارزیابی تأثیر مداخلات در گذر زمان را فراهم می‌آورند. علاوه‌براین، تمرکز بر شنیدن و تحلیل دیدگاه‌های خود کودکان کار اتباع در محیط مدرسه می‌تواند ابعاد تازه‌ای از تجربه زیسته آنان را آشکار کند. توجه به نقش و تجارب خانواده‌ها در آموزش و مراقبت از فرزندان‌شان نیز حوزه‌ای مغفول مانده و زمینه‌ساز بینش‌های تکمیلی خواهد بود. در نهایت، انجام مطالعات مقایسه‌ای در کشورهای مختلف، به‌ویژه کشورهای که با چالش مشابه مواجه‌اند، می‌تواند به تبادل تجربیات و بهبود رویه‌ها در سطح بین‌المللی کمک شایانی کند.

منابع

- احمدی، کامیل (۱۴۰۰). نقض حقوق کودک در خصوص کار کودکان در ایران. *مجله علمی رویکردهای پژوهشی در علوم اجتماعی*.
- اونق، محمد؛ قربانی، علیرضا و سورزهی، مسلم (۱۴۰۲). بررسی جامعه‌شناختی پدیده کودکان کار (مورد مطالعه کودکان کار شهرستان مهرستان سیستان و بلوچستان). *نشریه علمی وزارت علوم*.
- خانجانی، طاهره و ردایی، زهرا (۱۴۰۴). تجارب زیسته کودکان کار مهاجر در شهرستان چالوس. *همایش ملی تحقیقات میان‌رشته‌ای در مدیریت و علوم انسانی: دوازدهمین همایش ملی تحقیقات میان رشته‌ای در مدیریت و علوم انسانی*.
- خوب‌بخت، حسین و نیکنامی، بنت‌الهدی (۱۳۹۸). نقد و بررسی سیاست‌ها و راهکارهای ارائه شده برای حمایت از کودکان کار و خیابان. *فصلنامه حقوق کودک*.
- صفی کیکه، میثم؛ جهانگیری، کتایون و طباطبایی، شهناز (۲۰۱۷). *نگاهی به چالش‌های سلامت روان کودکان و نوجوانان مهاجر و پناهنده در هزاره سوم. فصلنامه سلامت در حوادث و بلایا به زبان انگلیسی*.
- غنی‌زاده، الهام؛ رسول‌زاده اقدم، صمد و محمدیان، مهرداد (۱۴۰۳). *مطالعه پدیدارشناختی راهبردهای فرهنگ‌پذیری کودکان کار افغانی*.
- پروینی فراشبندی، محمدعلی؛ آباد، حمیدرضا؛ خدائیناس، محمدعلی و پردل، فرهاد (۱۴۰۲). *بررسی رابطه کودکان کار و آموزش در مدرسه. کنفرانس پژوهش‌های مدیریت، تعلیم و تربیت در آموزش و پرورش*.
- مقدس جعفری، محمدحسین؛ ویس‌نژاد، نورمحمد و درستی، امیرعلی (۱۳۹۲). *بررسی عوامل مؤثر بر پیدایش و گسترش پدیده کودکان کار. علوم اجتماعی (دانشگاه آزاد شوشتر)*.

Child labour: Global estimate 2020, 2021 ILO. trends and road forward. *International Labour Organisation*.

ILO & UNICEF. (2024). *Global estimates on child labour: Results and trends 2016–2024*. Geneva: *International Labour Organization*.

Maslach, C., & Leiter, M. (2016). *Burnout: A multidimensional perspective*. New York: Psychology Press.

- OECD. (2020). *The integration of refugee and immigrant students in education systems*. Paris: OECD Publishing.
- Smith, J. A. (2019). *Interpretive Phenomenology: A Practical Guide to Conducting Phenomenological Research*. Sage Publications.
- Smith, L., & Jones, P. (2022). Navigating Cultural Diversity in the Classroom: Teacher Experiences with Refugee Children. *Journal of Multicultural Education*.
- Taylor, S., & Sidhu, R. (2022). Educating refugee children: Policy and practice for inclusion. *International Journal of Educational Development*, 89(4), 119-120.
- UNESCO. (2022). *Global education monitoring report: Inclusion and education for displaced learners*. Paris: UNESCO.
- UNHCR. (2023). *Global trends: Forced displacement in 2023*. Geneva: United Nations High Commissioner for Refugees.
- UNICEF. (2021). *Reimagining education for migrant and refugee children*. New York: UNICEF.
- Zimmerman, M. (2000). Empowerment theory: Psychological, organizational, and community levels of analysis. In J. Rappaport & E. Seidman (Eds.), *Handbook of community psychology* (pp. 43-63). New York: Springer.